



یادداشت

پاسخ شایسته به سرکوب مردم اصفهان اعتصاب عمومی ست!
صادق کار



حمله وحشیانه به اجتماع مسالمت آمیز مردم اصفهان و براه افتادن بساط بگیر و ببند برای دستگیری سازمانگران و فعالان شرکت کننده در تجمع های اعتراضی، لازم است با اعلام اعتصاب عمومی در اصفهان و پشتیبانی مردم سایر شهرها از آن در اسرع وقت نسبت به آن واکنش نشان داد. تنها واکنش موثر در برابر این یورش و متوقف کردن ماشین سرکوب و رسیدن مردم به مطالبات شان به نظر می رسد در مرحله کنونی اعتصاب عمومی باشد.

خبر یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به تجمع اعتراضی کشاورزان و مردم حق طلب و شجاع و بی سلاح اصفهان و فیلمهای مستندی از این یورش مسلحانه به مردم مقاوم حاضر در تجمعات را عده زیادی از مردم از طریق رسانه های مجازی و دیداری غیر حکومتی رویت کردند

این یورش در پی صحنه سازیهای روز گذشته و حمله نیروهای امنیتی به چادرهای کشاورزان در داخل زاینده روز و اطراف آن و اعلام توافق با کشاورزان بر سر خواسته هایشان امروز نیز با وسعت و خشونت شدیدتری انجام گرفت

رژیم که جرات حمله به تجمع بزرگ و تاریخی مردم اصفهان را از دست داده بود، با استفاده از پراکنده شدن جمعیت انبوه مردم اصفهان در روز گذشته با یورش به مکان تظاهرات و آتش زدن چادرهای کشاورزان تصور می کرد با این اقدام قضیه را خاتمه داده است و نوبت بگیر و ببند سازمانگران آن فرا رسیده است

تظاهرات امروز مردم اصفهان و مقاومت دلیرانه آنان در مقابل لشکر سرکوبگران حکومتی که موجب فرار عده ای از ماموران مسلح شد، بار دیگر روشن کرد که سرکوب و تهدید تاثیر و اثراتشان را از دست داده و دیگر با آنها نمی توان مردم را از میدان مبارزه برای خواسته های به حق شان بیرون راند

ادامه اقدامات سرکوبگرانه نیز نشان داده است که سرکوب به غیر از آنکه اثرش را از دست داده موجب رادیکالیزه شدن فزاینده مبارزات مردمی علیه رژیم و تندتر شدن شعارهای آنان شده است. منتهی چون رژیم به سرکوب خوی گرفته و راهکار دیگری ندارد همچنان همه امیدش را به سرکوب بسته است



این تغییر و تحولات جاری در بطن جامعه باعث شده‌اند تا مردم بیشتری در ملع عام علنا سیاستها و رفتار رژیم را به باد انتقاد و سخره بگیرند و بی محابا آنچه را که قبلا در دل پنهان نگه می داشتند به زبان بیاورند. اینها همه از نشانه های آمادگی آشکار توده های وسیع مردم برای گذر از رژیم و در انداختن طرحی نو در کشور است

در گزارشاتی که از تجمع مردم و کشاورزان اصفهان منتشر شد، دیدیم که چگونه شرکت کنندگان در آن به صراحت علیه رژیم و سیاستها و رفتارشان سخن گفتند و چشم در چشم ماموران و جاسوسان رژیم بر رژیم تاختند و خامنه‌ای را هو کردند. امروز نیز رفتار سرکوبگرانه ماموران امنیتی سبب تندتر شدن شعارها و سر دادن شعارهای چون مرگ بر اصل ولایت فقیه یعنی نشانه گرفتن بنیاد رژیم شد. تجمع تاریخی بزرگ کشاورزان زحمتکش و مردم اصفهان نیز خود علامت دیگری است از تغییر روحیه تحولات امروز مردم ایران

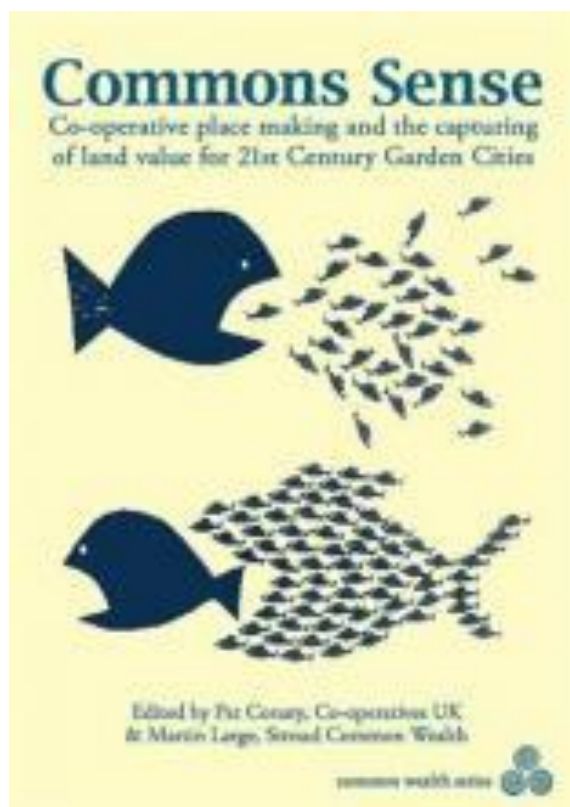
شرایط بد اقتصادی و معیشتی مردم و محاصره رژیم توسط بحران های نفس گیر و نبود چشم انداز گشایش سیاسی و اقتصادی باعث گسترش نارضایتی حتی در میان برخی از جریانات نزدیک به حکومت و متحدین آن گردیده و صدای اعتراض آنان را نیز درآورده است و رژیم بحران زده را بار دیگر چند پاره کرده است

به این اعتبار می توان گفت که رژیم به سرعت در حال از دست دادن کنترل بر مردم است و از سوی دیگر رویگردانی فعال مردم از رژیم به سرعت در حال افزایش است. حمله وحشیانه به اجتماع مسالمت آمیز مردم اصفهان و براه افتادن بساط بگیر و ببند برای دستگیری سازمانگران و فعالان شرکت کننده در تجمع های اعتراضی، لازم است با اعلام اعتصاب عمومی در اصفهان و پشتیبانی مردم سایر شهرها از آن در اسرع وقت نسبت به آن واکنش نشان داد. تنها واکنش موثر در برابر این یورش و متوقف کردن ماشین سرکوب و رسیدن مردم به مطالبات شان به نظر می رسد در مرحله کنونی اعتصاب عمومی باشد

از مبارزه به حق کشاورزان و مردم اصفهان، علیه سیاستهای تخریبی آبی حکومت پشتیبانی و علیه سرکوب کشاورزان و مردم اعتراض کنیم!



جنبش تعاونی در قرن ۲۱ بخش ششم
جان کرل



با وجودی که امکانات تولید صنعتی در سراسر کشور از کار بازمانده بودند، نیو دیل هرگز از این ایده حمایت نکرد که کارگران کنترل این صنایع را با حمایت و مشارکت دولت تحویل بگیرند و آنها را به عنوان تعاونی دوباره راه اندازی کنند. موج مشهور تصرف کارخانه‌ها توسط کارگران با هدف شناسایی اتحادیه‌ها برخاست. این موج در سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۷ با علیه جنرال موتورز آغاز شد و طی آن اعتصاب کنندگان چندین کارخانه را به مدت ۴۴ روز (Flint) اعتصاب تحصن فلینت اشغال کردند و موفق به دفع حملات پلیس و گارد ملی شدند. تحصن فلینت با به رسمیت شناختن اتحادیه کارگران متحد اتومبیل سازی توسط جنرال موتورز به پایان رسید. به دنبال این موفقیت، در سال ۱۹۳۷ موجی از تحصن ها برخاست که در آن بیش از ۴۰۰۰۰۰ کارگر، بسیاری کارخانه ها و محلهای کار دیگری را در سراسر کشور اشغال کردند.

معامله جدید (نیو دیل New Deal) و جنبش تعاونی - ادامه

برنامه روزولت کمک بزرگی به تعاونیهای کشاورزان روستائی بود. اما تعاونیهای شهری جای شامخی در برنامه مذکور نداشتند. مقدم بر همه آنها، تعاونیهای کارگری تماماً از این برنامه کنار گذاشته شده بودند. نیو دیل خط جدائی را بر تعاونیهای قرار داده بود که سیستم دستمزد را به چالش کشیده بودند.

یکی از نخستین اقدامات نیو دیل ایجاد یک بخش "تعاونی های خودیاری" (بر اساس قانون فدرال برای کمکهای اضطراری)، برای ارائه کمک های فنی و کمک های مالی به تعاونی های خودیاری و انجمن های مبادله ای بود. "پروژه های جمعی" برنامه ای در کالیفرنیا بود که چندی از صنایع تعاونی مانند آسیابهای چوبی، یک کارخانه مونتاژ تراکتور، یک کارخانه رنگ



و کارخانه های جوراب بافی را شامل می شد. اگرچه قانون پیشگفته تصریح می کرد که از تسهیلات تولیدی فراهم آمده مبتنی بر این قانون، نمی توان در معاملات پولی استفاده کرد، اما گروه های تعاونی خودیاری معمولاً سعی می کردند هر آنجا که ممکن بود به مبادلات پولی دست بزنند، در عین حال که برای استفاده خودشان کالا تولید کنند. این کیفیت توانایی بسیاری از تعاونی های خودیاری را برای آن که به واقع به عنوان تعاونی عمل کنند، تضعیف کرد، زیرا پول نقد مورد نیاز هر نهاد و هر کس بود. در برخی از موارد تعاونی های تحت پوشش "قانون فدرال برای کمک های اضطراری" می توانستند از صندوق مربوطه پول دریافت کنند، اما فقط برای تولید اقلامی که خود به آنها نیاز داشتند.

سازمان اعتبارات کشاورزی در سال ۱۹۳۳ برای کمک به تعاونی ها بانک هایی را تأسیس کرد که تأثیر بسیار مهمی بر جنبش تعاونی کشاورزان داشت. این سازمان، با یک بانک مرکزی و دوازده بانک منطقه ای، به سیستمی تحت کنترل اعضا برای تأمین نیازهای مالی، تلفن و برق تعاونی های کشاورزی تبدیل شد. سازمان مذکور با سرمایه اولیه دولت راه اندازی شد و پس از آن به سازمانی خودیاری فرارفت. بانکها اجازه نداشتند به تعاونی های مصرف و صنعتی کمک کنند. تا پایان قرن بیستم بانک هایی که به تعاونی ها کمک می کردند، به نهادی ضرور برای سازماندهی و تثبیت تعاونی های کشاورزی باقی ماندند. در سال ۱۹۳۵ سازمان امنیت کشاورزی تأسیس شد، که در ابتدا بخشی از سازمان اسکان مجدد بود. سازمان اخیر مبارزه با فقر روستایی را به عهده داشت. سازمان امنیت کشاورزی با ایجاد ۲۵۰۰۰ تعاونی از انواع گوناگون به سازمانیابی حدود چهار میلیون کشاورز کم درآمد کمک کرد. اداره برق روستایی در سال ۱۹۳۵ برق رسانی تعاونی را در مناطق روستایی ترویج کرد. در آن زمان تنها حدود ۱۰ درصد از خانه های روستایی از این دست خدمات برخوردار بودند، اما تعاونی های برق محلی توانستند تا پایان سال ۱۹۳۹ از طریق وام های اداره برق روستائی تقریباً به ۳۰۰۰۰۰ خانوار یا ۴۰ درصد خانه های روستایی برق برسانند.

اگرچه حمایت نیو دیل از تعاونی های کشاورزی در ترمیم اقتصاد روستایی در مواجهه با بحران بزرگ اثر محسوسی داشت، اما کنار گذاشتن تعاونی های کارگری و شهری از این کمکها تنها به تداوم وضع کارگران در ناتوانی و وابستگی آنان به مسکنها و برنامه های کاری دولتی انجامید.

باوجودی که امکانات تولید صنعتی در سراسر کشور از کار بازمانده بودند، نیو دیل هرگز از این ایده حمایت نکرد که کارگران کنترل این صنایع را با حمایت و مشارکت دولت تحویل بگیرند و آنها را به عنوان تعاونی دوباره راه اندازی کنند. موج مشهور تصرف کارخانه ها توسط کارگران با هدف شناسایی اتحادیه ها برخاست. این موج در سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۷ با اعتصاب تحصن فلینت (Flint) علیه جنرال موتورز آغاز شد و طی آن اعتصاب کنندگان چندین کارخانه را به مدت ۴۴ روز اشغال کردند و موفق به دفع حملات پلیس و گارد ملی شدند. تحصن فلینت با به رسمیت شناختن اتحادیه کارگران متحد اتومبیل سازی توسط جنرال موتورز به پایان رسید. به دنبال این موفقیت، در سال ۱۹۳۷ موجی از تحصن ها برخاست که در آن بیش از ۴۰۰۰۰۰ کارگر، بسیاری کارخانه ها و محلهای کار دیگری را در سراسر کشور اشغال کردند. این موج با اعلام حکم دادگاه ها و هیئت ملی روابط کار دایر بر غیرقانونی بودن تحصنها و صدور اجازه اخراج اعتصاب کنندگان فروکش کرد و سرانجام خاتمه یافت. بسیاری از ابزارهای قدرتمند دیگری که کارگران آمریکایی در دهه ۱۹۳۰ برای تشکیل اتحادیه از آنها استفاده می کردند، در دهه های بعد از بین رفتند.

از مبارزه کارگران علیه قراردادهای موقت کار و کار پیمانی حمایت کنیم!

سرکوب سندیکاها و تشکلهای کارگری را متوقف و فعالین سندیکایی زندانی را آزاد کنید!



تقصیر دولت را به گردن فارغ التحصیلان نیندازید صادق



وجود افراد تحصیلکرده در واقع یک مزیت برای هر کشور و از ملزومات توسعه اقتصادی و اجتماعی است. بهمین خاطر باید از بابت داشتن آن خرسند و سرافراز بود. این که حکومت فاسد و نالایق نمی تواند شغل کافی برای تحصیلکردگان اش ایجاد کند علت اصلی بیکاری فزون بر ۳۰ درصدی آنان است. این واقعیتی است که با نسبت دادن توقع و نسبت های مشابه نمی شود آن را انکار کرد. کما اینکه آنهایی هم که نه تحصیلات عالی دارند و نه توقع زیادی میلیونها نفرشان بیکارند و به هر جا که برای پیدا کردن کار مراجعه می کنند با در بسته مواجه می شوند

بنا به آماری که اخیرا توسط وزارت کار منتشر شده است، نزدیک به ۵ میلیون بیکار در کشور وجود دارد که البته کمتر از آمار تخمین زده شده توسط کارشناسان و مطلعین است. بیکاری این تعداد را با هر عاملی شاید بتوان توضیح داد الی به دلیل داشتن توقع زیادی!

خبرگزاری ایسنا اخیر مطلبی را با عنوان فارغ التحصیلان با رتبه های خوب اما بیکار " به نقل از هادی ابوی منتشر کرد "

در این نوشته هادی ابوی که ایسنا از او با عنوان فعال حوزه کار یاد کرده علت بیکاری فارغ التحصیلان را در جایی از نوشته اش به داشتن توقع زیاد، و در جای دیگری عدم تناسب رشته تحصیلی آنان با نیازهای بازار کار عنوان نموده است

این فعال حوزه کار تصریح کرد: طبعا ورود به دانشگاه و داشتن تحصیلات عالی در فارغ التحصیلان "ایسنا از قول هادی ابوی نوشت توقع ایجاد می کند که هر شغلی را نپذیرند، از آن طرف بازار کار به گونه ای نیست که این افراد را سر کار ببرد و شاید یک دلیل آن عدم "تناسب رشته دانشگاهی با نیاز بازار باشد

او در جای دیگری وجود تحصیل کردگان بیکار را نتیجه نداشتن نظر سنجی از نیازهای بازار و گسترش روز افزون و افزایش افسار . گسیخته مراکز دانشگاهی عنوان نموده است

در اینکه حکومت در زمینه نیازهای بازار کار و هدایت مراکز دانشگاهی در سمت آموزش دانشجویان بر اساس نیازها مانند سایر موارد فاقد برنامه و کارایی است کمتر کسی تردید دارد. همچنین نقش دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی خصوصی همچون دانشگاه آزاد که بصورت تجارخانه درآمده و همه فکر و ذکر آن کسب سود است در بیرون دادن فارغ التحصیلانی که در کشور امکان یافتن کاری که با رشته تحصیلی شان تناسب داشته باشد با دشواری مواجه اند، بر کسی پوشیده نیست. با این همه اینها همه عوامل بیکاری تحصیلکردگان دانشگاهی که حداقل ۳۰ درصد شان بیکارند نیست

طبعا آنهایی که در رشته معینی زحمت کشیده و تحصیل نموده اند مایلند کاری به آنان داده شود که با رشته و تخصص شان تناسب داشته باشد و این توقع نابجایی هم نیست. با این همه کم نیستند فارغ التحصیلانی که تن به مشاغلی می دهند که هیچ ربطی به رشته تحصیلی شان ندارد. برای دانستن این موضوع کافی است که کسی اخبار رسانه ها را دنبال کند تا بداند که چه تعدادی لیسانس و فوق لیسانس آگهی به دست در صف استخدام کارگر شهرداری ایستاده و یا در پاتوق های کارگران ساختمانی منتظر کار ایستاده اند ولی به ندرت ممکن است کاری پیدا کنند



کارگر شهرداری را سراغ دارم که فوق لیسانس رشته معماری ست و با ۲ و نیم میلیون تومان حقوق ماهانه دارد کار می کند. کم نیستند تحصیل کردگانی که برای اینکه بتوانند کاری پیدا کنند مدرک دانشگاهی شان را پنهان می کنند بلکه بتوانند کاری پیدا کنند. بنا بر این نسبت دادن داشتن "توقع" به تحصیل کردگان بیکار و تعمیم همگانی آن اگر ناشی از اغراض سیاسی و برای پوشاندن علل واقعی بیکاری گسترده در بین آنان نباشد، از روی بی اطلاعی است. اتفاقا بسیاری از کارفرمایان هم به بهانه داشتن "توقع" از استخدام آنان خودداری می کنند. اما مشکل آنان این است که دوست ندارند سروکارشان با نیروی کار تحصیل کرده ای بیفتد که استثمار و فریب شان برایشان دشوارتر از دیگران است.

شمار قابل توجهی از فارغ التحصیلان بیکار را زنان تشکیل می دهند که تعدادشان دوبرابر مردان بیکار است. اکثر قریب به اتفاق آنان به دلیل محدودیتهایی که برای انتخاب رشته تحصیلی در نظر گرفته شده، اساسا در رشته های فارغ التحصیل شده اند که برای زنان از نظر حکومت مجاز هستند در آن رشته ها کار کنند. اما آمار مشارکت زنان در بازار کار ۱۴ درصد است. یعنی اینکه این همه زن بیکار به علت توقع زیادی و انتخاب رشته نامناسب است که بیکار مانده اند؟

وجود افراد تحصیل کرده در واقع یک مزیت برای هر کشور و از ملزومات توسعه اقتصادی و اجتماعی است. بهمین خاطر باید از بابت داشتن آن خرسند و سرافراز بود. این که حکومت فاسد و نالایق نمی تواند شغل کافی برای تحصیل کردگان اش ایجاد کند علت اصلی بیکاری فزون بر ۳۰ درصدی آنان است. این واقعیتی است که با نسبت دادن توقع و نسبت های مشابه نمی شود آن را انکار کرد. کما اینکه آنهایی هم که نه تحصیلات عالی دارند و نه توقع زیادی میلیونها نفرشان بیکارند و به هر جا که برای پیدا کردن کار مراجعه می کنند با در بسته مواجه می شوند.

بنا به آماری که اخیرا توسط وزارت کار منتشر شده است، نزدیک به ۵ میلیون بیکار در کشور وجود دارد که البته کمتر از آمار تخمین زده شده توسط کارشناسان و مطلعین است. بیکاری این تعداد را با هر عاملی شاید بتوان توضیح داد الی به دلیل داشتن توقع زیادی

نیم بیشتری از آنهایی هم که طبق همین آمار کار می کنند کارشان نیمه وقت و پاره وقت است که دستمزدهای اندکی می گیرند و خیلی هایشان هم بیمه ندارند

اگر توقع به زعم این فعال حوزه کار در بیکاری نقش دارد، چگونه ممکن است میلیونها نفر تن به کارهایی بدهند که حتی آنان را هم بیمه نمی کنند؟

این جناب فعال و کارشناس مگر نمی بیند آنهایی هم که کار تمام وقت دارند حال و روز هیچکدامشان اعم از تحصیل کرده و ناکرده بی نشان از توقع زیادی است؟

کم نیستند جوانانی که در رشته های شدیداً مورد نیاز کشور درس خوانده و متخصص شده اند ولی سالهاست بیکارند و موفق به پیدا کردن کار نمی شوند. دلیل اش هم رکود و بحران اقتصادی، فلج شدن چرخ تولید و اقتصاد مولد و سیطره دلالی و خام فروشی و بهم ریختن مناسبات اقتصادی متعارف با بسیاری از کشورهاست

در کشورهایی که حسب و کتاب و حق و حقوقی برای شهروندان شان قائلند و برنامه ریزی وجود دارد، معلمان بر اساس شناختی که در دوره تحصیلی متوسطه از دانش آموزان شان دارند آنها را در انتخاب رشته تحصیلی از متوسطه به بالا راهنمایی می کنند

وزرای هر وزارتخانه آماری از وضعیت نیروها و نیازهای آن تهیه و در اختیار برنامه ریزان ذیربط قرار می دهند تا نیروی لازم را برای آنها آموزش دهند و دانشگاه ها و مدارس مطلع می شوند که در چه زمینه های نیاز به چه مقدار نیروی کار وجود دارد و رسانه ها نیز با انعکاس نیازها نقش مهمی در جهت دهی دانشجویان بسوی رشته های تخصصی مورد نیاز به عهده دارند. اداره آمار نیز به نوبه خود با تهیه و انتشار مرتب آمار های سانسور نشده در این کار نقش قابل توجهی دارد

قوانین کار نیز مانند سایر قوانین در این کشورها اجرا می شود و هر جا که تخلفی صورت بگیرد اتحادیه های کارگری برای رفع تخلفات و دفاع از حقوق کارگران و کارکنان موسسات دخالت می کنند و نبض بازار کار را نیز در اختیار دارند

در جمهوری اسلامی هیچ کدام از این عوامل وجود ندارند و آمارهای که در منتشر می شوند نیز غالبا سانسور شده و گمراه کننده هستند. خود این فعال حوزه کار نیز اینها را می داند

نمی شود همه این مسائل را نادیده گرفت و مشکل بیکاری میلیونی فارغ التحصیلان دانشگاهی را در داشتن توقع زیاد و اشتباه در انتخاب رشته خلاصه کرد

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

تکلیف دستمزد ها را کارگران باید در کارخانه و خیابان رقم بزنند!

صادق



طرح ۳۸ تن از نمایندگان مجلس فرمایشی برای تغییر ماده ۴۱ قانون کار، آغاز دور تازه‌ای از تعرض سرمایه داران رانتخوار حاکم به حقوق سندیکایی و سطح معیشت عموم کارگران و گامی است در راستای از میان برداشتن موانع قانونی کاهش سطح دستمزدهای کارگران. اگر این طرح ارتجاعی ضد کارگری و تبعیض آمیز به تصویب مجلس فرمایشی و ارتجاعی برسد، بزودی نوبت به طرح های دیگری همچون، توافقی کردن بیمه و خصوصی سازی تامین اجتماعی ... خواهد رسید. تنها راه متوقف کردن این روند گسترش اعتراضات علیه نیروهای پیشبرنده این اقدامات ضد کارگری و سازماندهی اقدامات سراسری است

تکلیف دستمزد و حقوق سندیکایی را کارگران باید در خیابانها و کارخانه ها و با متشکل کردن خود رقم بزنند

طرح ۳۸ تن از نمایندگان مجلس فرمایشی برای اصلاح ماده ۴۱ قانون کار که زیر نام "توافقی کردن دستمزد" تهیه شده است بر اساس برخی خبرها قرار است به زودی در مجلس مورد رسیدگی قرار بگیرد

براساس طرح مذکور با افزودن یک بند تازه به ماده ۴۱ قانون کار کارگران کارگاه های زیر ۱۰ نفر در مناطق "روستایی" مشمول حداقل دستمزد سالیانه که همه ساله در شورای عالی کار باید میزان آن بر اساس ماده ۴۱ قانون کار و بندهای آن تعیین شوند نخواهند شد و تصمیم در این مورد توسط توافق بین کارگر و کارفرما در هر کارگاه بطور جداگانه اخذ خواهد شد

البته قصد مجلس و کل حکومت این بود که مزد توافقی و کاهش سطح دستمزدها در مناطق محروم شامل همه کارگران در سراسر کشور بشود، اما اعتراضات گسترده و بی سابقه برای افزایش دستمزد سبب شد تا آنان طرح خود را به صورت پلکانی پیش ببرند

با وجود خارج کردن کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار در دولت خاتمی اساسا دیگر نیازی به چنین لایحه‌ای نبود، منتهی از آنجا که هدف فزاینده تر از آن است که در طرح آمده، این لایحه را تهیه دیده‌اند

یکی از نمایندگان تهیه کننده "علیرضا ورناصری قندعلی (نماینده مسجد سلیمان، لالی و اندیکا در مجلس شورای اسلامی)" طرح هدف نمایندگان از تهیه این طرح را کاهش بیکاری در مناطق روستایی ذکر نموده است



طرح مذکور اگر در مجلس به تصویب برسد علاوه بر اینکه موجب فقیرتر و بی حقوق تر شدن کارگران در خارج از حوزه شهرهای بزرگ خواهد شد نوعی تبعیض و ستم اضافه بر ۷ میلیون کارگری است که خارج از حوزه کلان شهرها زندگی می کنند و مشمول این قانون خواهند شد. مهاجرت گسترده تر از مناطقی که مشمول مزد توافقی می شوند به سوی کلان شهرها و توسعه حاشیه نشینی از پیامدهای دیگر طرح مذکور در صورت تصویب آن است.

همچنین تصویب این طرح راه را برای انجام تعدیلات بیشتری در قانون کار و حقوق سندیکایی و شهروندی کارگران که اتاق های بازرگانی در رسانه هایشان مدتهاست خواستار آن می شوند فراهم می کند.

طرح های همچون کاهش سهم حق بیمه کارفرمایان، خصوصی سازی و رقابتی کردن تامین اجتماعی و توافقی و اختیاری کردن بیمه کارگران.

اجرای هر کدام از این درخواستها که به نظر می رسد دولت و مجلس نیز برای دادن پاسخ مثبت به آنها آمادگی دارند، تامین اجتماعی را که هم اکنون هم بواسطه غارت اموال آن توسط ایادی حکومت در مرز ورشکستگی قرار دارد نابود خواهد کرد و در عوض محروم شدن ۴۵ میلیون نفر از حداقل های زندگی و تامین اجتماعی به فربه تر شدن مشتی سرمایه دار رانتخوار و طمعاع حکومتی منجر خواهد شد.

نمایندگان مجلس، سازمانهای کارفرمایی دولت و سایر نهادهای حکومتی که دست به دست هم داده و در تلاش اند این تعدیلات ارتجاعی و فقرافزون را بر کارگران و مناطق محروم کشور تحمیل کنند، خود خوب می دانند که تحمیل این گونه قوانین بجای اینکه مشکل بیکاری در کشور و مناطق محروم را حل کند، سود آنان را بیشتر و دست شان در استثمار بیشتر نیروی کار بازتر خواهد کرد.

ایجاد مناطق آزاد اقتصادی و گسترش این مناطق در چهار گوشه کشور دهها سال پیش که به بهانه ایجاد اشتغال و جذب سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال انجام گرفت، یا خارج کردن بخش عمده نیروی کار از شمول قانون کار به همین بهانه ها و استقرار روابط بی حقوقی کامل کارگران در مناطق "آزاد" به کدام یک از هدفهای که برایشان در نظر گرفته بودند، رسید جز بسط و ارادت و دلالتی و فرار مالیاتی سوداگران و دلان؟ گزارشی که چندی پیش از عملکرد مناطق آزاد منتشر شد مگر غیر از این را نشان می دهد؟

طرح ۳۸ تن از نمایندگان مجلس فرمایشی برای تغییر ماده ۴۱ قانون کار، آغاز دور تازه ای از تعرض سرمایه داران رانتخوار حاکم به حقوق سندیکایی و سطح معیشت عموم کارگران و گامی است در راستای از میان برداشتن موانع قانونی کاهش سطح دستمزدهای کارگران. اگر این طرح ارتجاعی ضد کارگری و تبعیض آمیز به تصویب مجلس فرمایشی و ارتجاعی برسد، بزودی نوبت به طرح های دیگری همچون، توافقی کردن بیمه و خصوصی سازی تامین اجتماعی ... خواهد رسید. تنها راه متوقف کردن این روند گسترش اعتراضات علیه نیروهای پیشبرنده این اقدامات ضد کارگری و سازماندهی اقدامات سراسری است.

تکلیف دستمزد و حقوق سندیکایی را کارگران باید در خیابانها و کارخانه ها و با متشکل کردن خود رقم بزنند!

از مبارزه کارگران و مزدبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان در دوم آذر ماه پس از موافقات کارفرما و مسئولین سیاسی و امنیتی شهر با خواسته هایشان به اعتصاب خود خاتمه دادند. در جلسه‌ای که بهمین منظور در دوم آذر با حضور شورای تامین شهرستان ورزقان و حفاظت اطلاعات شهر و نمایندگان کارگران تشکیل شد، طرفین با لغو تصمیم به اخراج نمایندگان کارگران و عده دیگری از پرسنل شرکت و خاتمه دادن به تردد ۴ تن از مدیران در مجتمع که کارگران از آنان ناراضی بودند و موافقت با بخش دیگری از مطالبات کارگران به توافق رسیدند. نمایندگان کارگران در جلسه در حالی به توافق رسیدند که کارگران همزمان با جلسه آنان در محوطه مجتمع تجمع و با سر دادن... شعارهایی، همچون

ادامه اعتصاب و اعتراض در کارخانه ایران خودرو تبریز

اعتراضات کارگران ایران خودرو که از سه هفته پیش در خراسان، تهران و تبریز، برای افزایش دستمزد، طبقه بندی مشاغل، رفع تبعیضات مزدی و شغلی و انعقاد قرارداد مستقیم شروع شد، همچنان به دلیل پاسخ داده نشدن توسط مدیران ایران خودرو ادامه دارد. کارگران ایران خودرو از همین روز در چهارشنبه این هفته دوباره برای نشان دادن مصمم بودن شان روی خواسته های خود دست به اعتصاب زدند و این اعتصاب تا پایان روز پنج شنبه هفته جاری همچنان ادامه دارد.

اعتراض در شرکت حفاری کیش

به گزارش کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت کارگران یک شرکت حفاری در کیش به دلیل پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان طی ۷ ماه گذشته شان بار دیگر در ۲ آذر تجمع کردند. گفتنی است که بنا به همین گزارش کارگران شرکت حفاری گلوبال پترو تک کیش بهمین دلیل در ۲۵ آبان ماه نیز تجمع کرده بودند. قبل از این کمتر سابقه داشت که این همه تعویق در پرداخت حق بیمه و معوقات مزدی در صنایع نفتی پیش بیاید. کشیده شدن دامنه ندادن به موقع مطالبات مزدی به صنایع نفتی حکایت از وخمتر شدن بحران اقتصادی دارد که اگر ادامه پیدا کند به اعتراضات کارگری در صنعت نفت دامن خواهد زد.

همچنین بنا به گزارش دیگری که در همین کانال خبر رسانی منتشر شده است، کارگران پتروشیمی آبادان نیز در روز ۳۰ آبان ماه برای دومین بار در مجموعه پتروشیمی آبادان: "در اعتراض به خلف و عده ها و با مطالباتی چون افزایش حقوق و مزایا، پرداخت حق جذب و "حق کارگاهی برای دومین روز متوالی دست به تجمع زدند.

پایان اعتصاب موفقیت آمیز کارگران مجتمع مس سونگون

کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان در دوم آذر ماه پس از موافقات کارفرما و مسئولین سیاسی و امنیتی شهر با خواسته هایشان به اعتصاب خود خاتمه دادند. در جلسه‌ای که بهمین منظور در دوم آذر با حضور شورای تامین شهرستان ورزقان و حفاظت اطلاعات شهر و نمایندگان کارگران تشکیل شد، طرفین با لغو تصمیم به اخراج نمایندگان کارگران و عده دیگری از پرسنل شرکت و خاتمه دادن به تردد ۴ تن از مدیران در مجتمع که کارگران از آنان ناراضی بودند و موافقت با بخش دیگری از مطالبات کارگران به توافق رسیدند. نمایندگان کارگران در جلسه در حالی به توافق رسیدند که کارگران همزمان با جلسه آنان در محوطه مجتمع تجمع و با سر دادن



شعارهایی، همچون کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد، مدیر بی لیاقت اخراج باید گردد و کارگر بیدار است از استثمار بیزار است. نمایندگان شان را حمایت می کردند. حضور کارگران و وجود نمایندگان متعهد به حقوق کارگران موجب موفقیت کارگران شدند.

گفتنی است که کارگران شرکت‌های پیمانکاری آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و... در ۳۰ آبان در اعتراض به اخراج ۶۰ تن از همکاران شان اعتصاب کردند. خواسته های مهم کارگران اجرای طبقه بندی مشاغل رفع تبعیضات مزدی بین نیروهای رسمی و شرکت‌های اقماری معدن و چند مطالبه دیگر اعتصاب کرده بودند.

اعتصاب کارگران کشتارگاه های طیور

کارگران سه کشتارگاه طیور در اعتراض به دستمزد ۳ میلیونی و برای افزایش دستمزدهایشان و قرار گرفتن تحت پوشش بازنشستگی کارهای سخت و زیان آور اعتصاب و تجمع کردند. کارگران در یکی از پلاکاردهایی که در تجمع شان به دست داشتند نوشته بودند، "اگر حقوق ۱۰ میلیونی زیر خط فقر باشد، با ۳ میلیون چه میشه کرد".

اعتراض ۱۰۰ کارگر معدن طلای آق‌دره به اخراج شان از کار

کارفرمای معدن خصوصی طلای آق دره در اول آذر ماه دروازه معدن خود را به روی ۱۰۰ کارگر خود بست. اخراج دسته جمعی کارگرانی که تا ۱۵ سال سابقه کار در این معدن را دارند بی سابقه نیست. معمولاً در پائیز هر سال این کار به بهانه فصلی بودن کارگران انجام می شود. چند سال پیش بعد از اینکه کارفرما دست به اخراج دسته جمعی کارگران زد کار به اعتراض و زدوخورد کشیده شد و چند کارگر را نیز در یک بیدادگاه به شلاق محکوم کردند. یعنی با کارگر مانند بردگان در دوره برداری که برده ها را برده داران شلاق می زدند رفتار کردند. اخراج کارگر بعد از ۱۵ سال استخراج طلا بواسطه فرمانروایی بی قانونی در نظام مقدس اسلامی است. وزارت کار هم در اینجور مواقع که بایستی بر اجرای قوانین نظارت و مانع این رفتار ضد انسانی شود، گویی وجود خارجی ندارد. کارگر می داند که اگر به دادگاه شکایت کند، بجای کارفرمای خاطی او را به شلاق و زندان محکوم خواهند کرد. کارفرما هم که خیالش از بابت مجازات راحت است هر طوری که می خواهد با کارگر رفتار می کند. در این میان برای کارگران در یک منطقه دور افتاده که معدن طلای واقع در محل زندگی شان را غریبه ها می برند حتی یک حقوق ناقابل بیکاری هم در نظر نمی گیرند. برای این کارگران به جز اعتراض چه راه دیگری باقی می ماند

کارگران فصلی هفت تپه خواهان بازگشت به کار و عقد قرارداد دائمی هستند

نی، لیلیکو و دفع آفات را به عهده دارند با برگزاری تجمع هایی "به گزارش ایلنا ۲۵۰۰ کارگر فصلی شرکت هفت تپه که امورات در مقابل هفت تپه و دفتر نماینده شوش در مجلس خواستار بازگشت به کار و عقد قرارداد دائمی با مجتمع هفت تپه شدند

هر یک از کارگران فصلی از یک تا بیست سال سابقه کار در مجتمع نی "خبرگزاری ایلنا به نقل از یکی از کارگران فصلی نوشت شکر هفت تپه را دارند، افزودند: کارگرانی که شامل این طرح هستند از سال ۹۵ به بعد در مجتمع هفت تپه به عنوان کارگر فصلی مشغول کار شده‌اند

به گفته وی؛ اگر کارگران فصلی در سال جاری جذب کار نشوند، زمان بازگشت به کار آن‌ها تا آبان ماه سال بعد است اما باز هم هیچ "تضمینی برای بازگشت به کار آن‌ها وجود ندارد

کانال سندیکای کارگران هفت تپه نیز به نقل از کارگران فصلی و علت اعتراض شان نوشت:

"خواهشای ما باشید

ما کارکنان فصلی هفت تپه که هیچ کس پشتیبان ما نیست

چند روز اعتصاب کردیم و فقط چند نفر غیر نیشکری را استخدام کردن منتها هیچ سابقه کاری ندارن ولی ما که از سال ۹۶ تا الان سخت‌ترین کار را انجام میدیم از نیبری بگیر تا لیلیکو موقع استخدام که میشود میگن باید سابقه ۶۰۰ روز داشته باشی یعنی منی که از سال ۹۶ تا الان فقط ۳۵۰ روز دارم باید سه سال دیگر منتظر بمونم تا استخدام شوم ما در سال فقط ۸۰ یا ۹۰ روز کار میکنیم

با این وضع اقتصادی چه باید کرد لطفا صدای ما باشید."

توافق بر سر خواسته های اعتصاب کارگران آسمینون منوجان



در دوم آذر کارگران معدن آسمینون در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان با تجمع اعتراضی در محور منوجان به بندرعباس و مسدود کردن جاده خواستار پرداخت مطالبات مزدی شان شدند. مسدود کردن جاده باعث شد که مسئولین محلی و کارفرما با تشکیل جلسه‌ای به بررسی خواسته های کارگران تن دهند.

طبق برخی گزارشات منابع کارگری، شرکت کنندگان در این جلسه بر سر

یک ساله شدن قراردادها و اینکه طرف قرارداد با کارگران فقط شرکت فاریاب باشد، طبقه بندی مشاغل اجرا شود، طرح محدود کردن پرداخت حق اولاد برداشته شود، مدیران معدن از میان واجدین شرایط بومی استخدام شوند، سرویس ایاب و ذهاب فراهم شود، قراردادهای کار در اسرع وقت منعقد شود، ایمنی در محل کار بطور کامل رعایت شود، وضعیت بیمه بیکاری کارگران حل و فصل شود، در اسرع وقت مدیر واحد نیروی انسانی تعیین شود. به توافق رسیدند.

۱۰ خواسته سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، از مدیر عامل شرکت واحد

به گزارش کانال تلگرامی سندیکای واحد این سندیکا در این هفته با ارسال طوماری که به امضای ۷۰۰ کارگر رسیده است انجام ۱۰ خواسته کارگران این شرکت را از مدیر عامل شرکت مطالبه نموده است. امضا کنندگان این طومار به مدیر عامل هشدار داده‌اند که اگر خواسته هایشان برآورده نشود حق خود می دانند که برای تحقق آنها از روشهای اعتراضی مختلف بهره بگیرند. این خواسته ها به شرح ذیل می باشند:

بازنگری در طبقه بندی مشاغل و اجرای فوری آن، پرداخت معوقات شارژ کارت های اعتباری، پرداخت بدون وقفه ۴ درصد حق بیمه کارگرانی که شرایط بازنشستگی شان احراز شده است، تعیین تکلیف کارگرانی که از تسهیلات مسکن برخوردار نشده‌اند، همچنین تعیین تکلیف پروژه های مسکن تعی حق طلبانی شرکت واحد...، رفع هرگونه تبعیض در پرداختی کارمندان شهرداری و کارگران شرکت واحد، بازگشت به کار پنج راننده اخراجی حق طلب که به دلیل پیگیری مطالبات کارگران سالهاست اخراج شده‌اند، شروع دوباره سفرهای زیارتی و تفریحی با پرداخت هزینه سفرها، عدم پرداخت یک کرنا، عدم پرداخت سود سهام بانک شهر، پرداخت یکجا و بدون تاخیر سنوات خدمت بازنشستگان. خواسته های آمده شده در طومار هستند.

ادامه اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد

در یکشنبه این هفته نیز بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه اعتراضات شان برای افزایش حقوق بازنشستگی، همسان سازی حقوق ها و درمان رایگان در چندین شهر کشور در مقابل دفاتر تامین اجتماعی تجمع کردند. بازنشستگان فولاد در اصفهان نیز همزمان با تجمع های بازنشسته گان تامین اجتماعی در اصفهان بار دیگر به اعتراض برخاستند.

اعتراضات هفتگی بازنشستگان در شرایطی بطور هفتگی ادامه دارند که دولت و مجلس همچنان بجای برآورده نمودن مطالبات به حق بازنشستگان با دادن وعده و وعید می کوشند خواسته های آنان را بی پاسخ بگذارند.

بازنشستگان فولاد همچنین خواستار پرداخت به "ایلنا به نقل از بازنشستگان فولاد در اصفهان که در ۳۰ آبان تجمع کرده بودند نوشت موقع هزینه های درمانی بازنشسته فولاد از بودجه های سنواتی، قرارداد درمان برابر آئین نامه استخدامی و دستورالعمل های فولاد، بیمه عمر و حوادث برابر دیگر واحدهای فولادی و بکارگیری فرزند بازنشستگان در ذوب آهن و شرکت های زیرمجموعه صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد هستند.

از مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق بازنشستگی، همسان سازی و بیمه درمانی رایگان حمایت کنیم!

علیه ایجاد تغییرات ارتجاعی در قانون کار و خصوصی سازی تامین اجتماعی مبارزه کنیم!



تجمع کادر سلامت در تهران مقابل سازمان برنامه و بودجه در ۶ آذر در اعتراض به عدم اجرای قانون فوق‌العاده خاص و پرداخت آن



تجمع کارگران فصلی هفت تپه در اعتراض به بیکاری و نداشتن امنیت شغلی در شوش با خواست استخدام رسمی

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>